

بررسی و نقد کتاب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و چالش ناپایداری توسعه پایدار

سیدمحمد حسینی*

چکیده

کتاب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و چالش ناپایداری توسعه پایدار از سلسله تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است که آقایان توحیدی‌نیا و قدیمی به‌رشته تحریر درآورده‌اند. این اثر نقاط مثبت و برجسته بسیاری دارد. طرح سؤالات مهم درباره پایداری توسعه پایدار و پاسخ به آن‌ها در چهارچوب مبانی فلسفی اقتصاد اسلامی با تمرکز بر حق و عدل از نقاط مثبت و برجسته این تحقیق است. اما از نظر شکلی و محتوایی اشکال دارد. از نظر شکلی علاوه بر این که نیازمند ویراستاری و صفحه‌آرایی است، خواننده به‌سختی می‌تواند به مسئله و اهداف تحقیق دست یابد. از مقدمه، که وظیفه این امر را به‌عهده دارد، اثری نیست و مقدمه‌های قسمت‌های اصلی اثر ناتوان از این امرند. از نظر محتوایی مهم‌ترین اشکال این است که نویسندگان این اثر در برابر اندیشه‌های علم اقتصاد متعارف رویکرد تقابلی داشته و در آن‌جاها که به بیان و تفسیر اجمالی اندیشه اقتصاددانان علم اقتصاد متعارف می‌پردازند، دچار سوگیری شده و رویکرد مسلط آن را مبنا قرار داده‌اند. از این رو، برای تبدیل شدن اثر به اثری تأثیرگذار، باید ویرایش‌های ادبی، شکلی، و محتوایی صورت گیرد. نیز باید از طرح جانب‌دارانه مطالب دوری کرد و ابتدا نظریه‌های مخالف را به‌خوبی بیان کرد و سپس به نقد آن‌ها پرداخت.

کلیدواژه‌ها: نقد کتاب، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، توسعه پایدار، ناپایداری توسعه پایدار.

* استادیار رشته اقتصاد، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، m.hoseini@isca.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۰

۱. مقدمه

تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مبتنی بر انعکاس آرمان‌ها و اهداف نظام جمهوری اسلامی، با اتکا به مبانی و موازین اسلامی و فرهنگ ایرانی و تبیین سیستمی موضوعات است. به منظور تحقق اهداف از افزودن قید اسلامی و ایرانی به الگو، باید به تولید پرسش‌ها و پاسخ‌هایی پرداخت که به مثابه مبانی الگو بر تمامی اجزا و ابعاد آن سایه بیفکند. این مبانی گونه‌های مختلفی دارد. یک گونه آن ناظر به خاستگاه‌های معرفتی و دینی یعنی وجه اسلامیت الگو است. گونه دیگر آن نگاه کاربردی و واقع‌گرایانه مبتنی بر شناخت محیط (وجه ایرانی) است.

این امر با مشارکت و حضور همه‌جانبه دانشمندان و محققان امکان‌پذیر است. این امر از یک سو با تدوین اثر اعم از مقاله و کتاب توسط برخی (نویسندگان) و البته نقدپذیری آنان میسر است و از سوی دیگر با نقد علمی و منصفانه برخی دیگر.

مقاله حاضر با هدف نقد تک‌نگاشت ارزش‌مند «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و چالش ناپایداری توسعه پایدار» تدوین شده و تلاش می‌کند ابعاد مختلف این اثر را مورد واکاوی قرار دهد. برای تحقق این هدف ابتدا اثر مورد نظر معرفی شده و سپس از دو جنبه شکلی و محتوایی مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

۲. معرفی اثر و خطوط کلی آن

این اثر، چنان‌که در پیش‌گفتار آن آمده است، تک‌نگاشت نوشتاری تخصصی و نیمه‌مبسوط است که با هدف تولید دانش و گسترش و تعمیق ادبیات موضوعی در حوزه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، به‌رشته تحریر درآمده و تلاش می‌کند با پردازش و تحلیل مطالعات تخصصی پیشین در زمینه توسعه پایدار و نقد آن‌ها و افزودن یافته‌های پژوهشی جدید خود با رویکرد اسلامی و ایرانی، رویکرد اسلام را درباره موضوع مورد مطالعه تبیین و افق‌های تازه‌ای را بگشاید.

این تک‌نگاشت از سه قسمت مهم تشکیل شده است: قسمت اول، توسعه پایدار؛ قسمت دوم، نقدها و راه‌کارهای متعارف؛ و قسمت سوم، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و چالش «ناپایداری توسعه پایدار».

در قسمت اول، ضمن تبیین مفهوم منابع تجدیدپذیر و تجدیدنپذیر در تعریف توسعه پایدار می‌گوید: توسعه پایدار توسعه‌ای است که به نیازهای نسل کنونی پاسخ دهد،

بدون این که توانایی آیندگان را در تأمین نیازهایشان تحت الشعاع قرار دهد. در همین جا نیز به دو تعریف قوی و ضعیف از توسعه پایدار اشاره می‌کند. سپس گزارش مختصری دارد از نشست‌ها و کنفرانس‌هایی که در زمینه توسعه پایدار برگزار شده است. تفاوت توسعه پایدار و پایداری موضوع دیگری است که در این قسمت به آن پرداخته شده است. به نظر نویسندگان، سیاست‌مداران به توسعه پایدار و دانشگاهیان به پایداری می‌اندیشند. دیدگاه‌ها درباره توسعه پایدار و نظریه‌های مختلف در زمینه آن و وضعیت توسعه پایدار در ایران مباحث دیگری است که در قسمت اول آمده است. بحران کم‌آبی در ایران و وابستگی کشور به منابع تجدیدناپذیر وضعیت نامطلوب ایران را در زمینه توسعه پایدار نشان می‌دهد.

نقدها و راه‌کارهای متعارف عنوان قسمت دوم است. به نظر نویسندگان علی‌رغم این که توسعه پایدار چشم‌انداز زیبایی را برای آینده بشر ترسیم می‌کند، اما منطبق با نظر رایینسون، به دلایل مبهم بودن مفهوم توسعه پایدار و تشریفاتی و ایده‌آل‌بودن آن، اطمینان لازم برای رسیدن به اهداف توسعه پایدار وجود ندارد. در بخش دوم این قسمت، تأکید می‌شود که اولویت‌های تعیین شده در دستورکار ۲۱، نامطلوب و بودجه‌های تخصیص یافته، علاوه بر این که نامتعادل است، کم‌تر از آن است که بتوانند بشر را به اهداف ترسیم شده توسعه پایدار برسانند یا حتی نزدیک سازد. در ادامه، مهم‌ترین عاملی که مانع تحقق اهداف توسعه پایدار می‌دانند نظریه نئولیبرالیسم است؛ زیرا به نظر نویسندگان بین پایداری و اهداف اقتصادی نئولیبرالیسم ناسازگاری، بلکه تضاد وجود دارد.

در قسمت سوم، که مهم‌ترین بخش این تکیه‌نگاشت است و در حقیقت اهداف تحقیق در این قسمت تأمین می‌شود، ابتدا به شبکه مفهومی روابط چهار زیرنظام در نظام اجتماعی مدرن و در نظام اجتماعی اسلام اشاره دارد که به نظر نویسندگان در نظام اجتماعی مدرن، اصالت با جنبه اقتصادی و در نظام اجتماعی اسلام اصالت با فرهنگ است. سپس در این قسمت، این سؤال مهم طرح می‌شود که اگر قید وصفی پایداری در توسعه پایدار موجب اختلال در توسعه گردد، کدام یک را باید برگزید؟ پایداری یا توسعه را؟ به نظر نویسندگان در جریان مسلط اقتصاد متعارف توسعه اولویت و اصالت دارد، اما در الگوی اسلامی، توسعه ناپایدار اصلاً توسعه تلقی نمی‌شود. در ادامه، برای پاسخ تفصیلی به این سؤال، به بررسی مبانی فلسفی حق و عدل در اسلام و نسبت حق و تکلیف پرداخته می‌شود.

تلازم حق و تکلیف، هماهنگی عدالت تکوینی و حقوقی تکوینی، هماهنگی عالم تکوین و عالم تشریح، و هماهنگی حقوقی تکوینی و عدالت تشریحی ایجاب می‌کند که در صورت ناسازگاری بین توسعه و پایداری، باید پایداری را برگزید؛ زیرا برطبق نظر اسلام

انسان حق ندارد در مسیر توسعه هر یک از جنبه‌های عدالت را نقض کند و عدالت زمانی برقرار است که حق خود انسان، حق خداوند، حق سایر مردم، حق نسل‌های بعد، حق حیوانات اهلی و سایر حیوانات، و حق سایر عناصر سیستم هم‌زمان رعایت شود.

۳. نقد اثر

در نقد این اثر به دلیل آسان‌تر بودن، ابتدا نقدهای شکلی (ویراستاری، نگارشی، و ...) بیان شده، سپس از نظر محتوا مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۳ نقدهای شکلی

۱.۱.۳ مشکلات مربوط به منابع و ارجاعات

برخی منابع که در متن به آن‌ها استناد شده در لیست منابع نیامده است؛ مانند:

جدول ۱.

ردیف	منبع	صفحه
۱	عبدالله‌زاده ۱۳۸۶	۳۰
۲	استاوییز و همکاران ۲۰۰۳	۳۴
۳	دستجردی ۱۳۹۰	۳۴
۴	وودوارد ۲۰۰۰	۳۶
۵	اجایمن و همکاران ۲۰۰۲	۳۶
۶	اجایمن و ایوانز ۲۰۰۴	۳۶
۷	شمسل ۱۹۹۹	۶۷ و ۶ و ۴۹

کمبود ارجاعات از اشکالات دیگر اثر است. برای مثال، مطالب پاراگراف‌های دوم و سوم در صفحه ۹۵ به مأخذ نیاز دارد. نیز در صفحه ۷۰ تصریح شده است که «مفهوم توسعه یک مفهوم ارزشی است». این صرفاً یک ادعاست و به مأخذ نیاز دارد، مگر این‌که استدلال شود که برای این ادعا استدلال مشاهده نشد. در همین صفحه گفته شده است: «در عصر مدرن ... جریان غالب و امروزی توسعه جنبه اقتصادی توسعه را اصالت داده ...» و بدون هیچ تسمیحی توسعه را مترادف با توسعه اقتصادی در نظر می‌گیرد. برای این گفته مأخذ آورده نشده است.

۲.۱.۳ نقدهای نگارشی و صفحه‌آرایی

- اثر نیازمند ویرایش است. با ویراستاری ادبی متن روان‌تر و زیباتر می‌شود.
- برخی عبارات‌ها مبهم است، مانند: سطرهای اول صفحه ۱۷ و پاراگراف آخر صفحه ۳۳؛
- اشتباهات تایپی در اثر وجود دارد؛ مانند:

جدول ۲.

ردیف	صفحه	غلط	صحیح
۱	۴۸	در سال، ۱۹۹۷	در سال ۱۹۹۷،
۲	۵۳	حوزه‌ها	حوزه‌های
۳	۵۷	رز	رزا
۴	۵۹	کن	کند
۵	۹۱	طبعی	تبعی
۶	۷۴	اما صادق	امام صادق

- اثر صفحه‌آرایی مناسب ندارد: حاشیه صفحات کم است، فاصله خطوط نامناسب است، و سطر اول پاراگراف‌ها تورفتگی ندارد.
- شماره فونت توضیح زیر نمودار صفحه ۶۳ همانند شماره فونت متن است. شماره فونت ریزتر باید باشد.
- در فهرست، عناوین فصل‌ها Bold نیست و شماره صفحه‌ها در فهرست با شماره صفحه‌ها در متن کتاب هم‌خوانی ندارد.
- در صفحه‌هایی که پانوشته‌ها انگلیسی است، خط جداکننده بین متن و پانوشته در جای نامناسب قرار دارد و این نمای نامطلوبی به صفحه داده است. به‌علاوه فاصله این خط‌ها با متن خیلی کم است.
- علاوه‌براین که اثر از کمبود علائم ویراستاری رنج می‌برد، علائم ویراستاری باید بدون فاصله با کلمه قبل و با یک فاصله با کلمه بعد باشد. در برخی موارد، این مهم رعایت نشده است.

۳.۱.۳ تدوین مطالب و ساختار اثر

- شروع نامناسب اثر: این اثر به‌گونه‌ای تنظیم شده که نمی‌توان فهمید اثر به‌دنبال حل چه مسئله‌ای و پاسخ به چه سؤالی است. از این رو، خواننده دچار سردرگمی می‌شود. البته در بخش‌های پایانی اثر این امور کشف می‌شود. در ابتدای هر اثر و در مقدمه، مسئله و سؤالات اصلی و فرعی بیان می‌شود و با طرح اجمالی فصول، پاسخ سؤالات به فصل مربوطه پیوند می‌خورد. در این تحقیق، از مقدمه خبری نیست و مقدمه‌های قسمت‌های اصلی اثر ناتوان از این امرند.
- در صفحه ۱۲، عنوان «توسعه پایدار چیست؟» مورد بحث واقع شده و در صفحه ۲۵ به‌عنوان «توسعه پایدار یا پایداری» به‌طور مبهم پرداخته شده است. بهتر بود که تفاوت بین «توسعه پایدار» و «پایداری» ذیل عنوان «توسعه پایدار چیست؟» بیان و بحث در همان‌جا بسته می‌شد.
- عنوان قسمت دوم اثر نقدها و راه‌کارهای متعارف است، درحالی‌که به‌نظر می‌رسد موانع نظری توسعه پایدار و راه‌کارها عنوان مناسب‌تری باشد. برای مثال در متن صفحه ۵۹ آمده است: «با مطرح‌شدن نئولیبرالیسم توجه بسیاری از دولت‌ها به آن جلب شد ... دولت‌هایی که ... به‌جای اهداف توسعه پایدار، اهداف نئولیبرالیستی را دنبال می‌کنند». این مطلب با موانع سازگارتر است. به‌علاوه درحالی‌که این قسمت یکی از بخش‌های (قسمت دوم) این تک‌نگاشت است، اما برخلاف دو قسمت اصلی دیگر مقدمه ندارد تا ساختار و سازمان‌دهی این قسمت را بیان کند و به خواننده در جهت هرچه بهتر و سریع‌تر فهمیدن کمک کند. هم‌چنین مطالب طرح‌شده در ذیل عنوان «نقد توسعه پایدار» بیش‌تر درباره ظرفیت اجرایی توسعه پایدار است، درحالی‌که اگر الزامات و بایسته‌های تحقق توسعه پایدار در این قسمت نیز طرح می‌شد، اثر کامل‌تر جلوه می‌کرد.

۲.۳ نقد محتوایی

۱.۲.۳ سوگیری در پژوهش

همه انسان‌ها حتی باهوش‌ترین آنان در دام‌هایی گرفتار می‌شوند که مانع درک درست و کامل اوضاع و اندیشه‌های دیگران می‌شود. به‌نظر می‌رسد اشتباه‌کردن در قضاوت‌ها و

رفتارها تقریباً در انسان‌ها نهادینه شده است؛ زیرا انسان به دلایل مختلف دچار سوگیری بد می‌شود (حسینی ۱۳۹۶: ۲۲۴) عبدالحسین زرین‌کوب در این باره می‌گوید:

دقت در استنباط نیز از لوازم و شروط کار تحقیق است و محقق راستین باید در به‌دست‌آوردن نتایج و احکام، شتاب بیهوده نورزد و از مدارک و مآخذ نیز فقط آنچه را در آن‌ها هست، استنباط کند ... البته لازمه این همه دقت و احتیاط آن است که آزاداندیشی و حق‌پرستی در وی بدان پایه رسیده باشد که بتواند نتیجه درست تحقیق خود را بی‌ملاحظه و بدون ریا بیان کند و تعصب و غرض، او را از بیان حقیقت باز ندارد. نیز لازمه این حق‌پرستی و آزاداندیشی آن است که محقق پیش از شروع تحقیق، نتیجه مطلوب را در نظر نگرفته باشد و درحقیقت برای تأیید اندیشه قبلی خویش، از راه تحقیق به جست‌وجوی شاهد و سند نپرداخته باشد (زرین‌کوب ۱۳۷۱: ۱۴-۱۵).

این اثر به‌گونه‌ای نگارش یافته که می‌خواهد علم اقتصاد متعارف را بی‌توجه به اخلاق و مضر به حال انسان معرفی کند درحالی‌که علم اقتصاد متعارف باوجود داشتن ابعاد منفی، برای زندگی بشر پی‌آمدهای مثبت دارد و اکنون همه کشورهای از تفسیر علمی روابط بین پدیده‌های اقتصادی که علم اقتصاد متعارف انجام داده است، برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری بهره می‌برند.^۱ از این رو، به‌نظر می‌رسد که نویسندگان در تبیین ایده‌های علم اقتصاد متعارف، اخلاق علمی در پژوهش را رعایت نکرده و جانب‌داری و سوگیری در بیان آنان دیده می‌شود. درحالی‌که اخلاق علمی ایجاب می‌کند که در بیان ایده‌های مخالف، بی‌طرفی را رعایت کنند. به این معنا که ایده آنان با ذکر مآخذ، بیان و سپس با نقد اجمالی آن‌ها به‌بیان ایده خود پردازند. به‌عبارت‌دیگر، نویسنده یا نباید به طرح اندیشه‌ای پردازد یا باید در هنگام طرح آن، ابتدا به طرح دقیق آن پردازد و سپس درباره آن داوری کند. نویسندگان این اثر فقط با بیان کلی و شتاب‌زده اندیشه علم اقتصاد متعارف، به قضاوت و داوری درباره آن‌ها پرداخته‌اند. گویا نویسندگان خود را ملزم به بیان دقیق اندیشه اقتصاددانان متعارف و نقد آنان از جهت نظری نمی‌دانند و فقط قصد داشته‌اند بیانیه‌ای علیه لیبرالیسم و مکتب سرمایه‌داری صادر کنند.

در مقدمه با استناد به یک پژوهش علمی، به‌طور مطلق ادعا می‌شود که شناخت نادرست اقتصاد از ویژگی‌های انسان خود علم اقتصاد را از مسیر درست دور کرده است و در تربیت‌شده‌های اقتصاد، خصوصیات ناپسندی مانند خودخواهی و منفعت‌طلبی، که فقط به فکر بیشینه‌کردن لذت شخصی‌اش است، نهادینه می‌شوند. در همین جا اصلاح و در اولویت گرفتن محیط زیست و توجه جهانی به مفهوم توسعه پایدار را متوجه دانشمندان

محیط زیست می‌دانند. این درحالی است که بعید به نظر می‌رسد که تمایل جهان امروز به راه‌بردهای جدید توسعه بدون کمک دانشمندان اقتصادی صورت گرفته باشد. برای نمونه، افرادی مانند آمارتیاسن علی‌رغم این که تربیت‌شده همان اقتصادهای، به تعبیر نویسندگان، منفعت‌طلب و خودخواه است، به نقد این ویژگی می‌پردازد و معتقد است که باید اخلاق را وارد اقتصاد کرد و به نظر او با پیوند اخلاق و علم اقتصاد متعارف است که زندگی بشر بهتر خواهد شد (سن ۱۳۷۷: ۹-۱۱). اسمیت نیز برای سامان‌دهی نظام جامعه بشری، به دنبال کشف و معرفی جوهر انسانی است. او در اولین سطر فصل اول کتاب *نظریه احساسات اخلاقی* (Smith 1790: 3) و در کتاب *ثروت ملل*، که بعد از کتاب *نظریه احساسات اخلاقی* انتشار یافته، در انگیزه منفعت‌طلبی بشر می‌داند. بنابراین، اسمیت صرفاً به بُعد منفعت‌طلبی انسان اکتفا نکرده است، مگر این که ما مانند بعضی که انسان را تک‌بُعدی در نظر می‌گیرند، تحول اعجاب‌انگیز را در وی معتقد شویم! و اسمیت *ثروت ملل* را در برابر اسمیت *نظریه احساسات اخلاقی* قرار دهیم! ما حق نداریم آدم اسمیت را صرفاً با *ثروت ملل* معرفی کنیم، بلکه انسان آدم اسمیت را باید «منفعت‌طلب خیرخواه» بدانیم. نشست‌ها و کنفرانس‌هایی که در سال‌های مختلف برگزار شده و در صفحات ۱۸ تا ۲۵ همین اثر ذکر شده است نیز این امر را تأیید می‌کند که تمایل جهان امروز به راه‌بردهای جدید توسعه بدون کمک دانشمندان اقتصادی صورت نگرفته است.

در صفحه ۲۳ این اثر برای کنفرانس ریو ۲۰۰۰، اقتصاد سبز، فقرزدایی، و چگونگی نهادینه‌کردن توسعه پایدار به‌عنوان سه محور کنفرانس معرفی شده است. اکنون سؤال این است که آیا محور قراردادن فقرزدایی در این کنفرانس نشان‌دهنده توجه به اخلاق، خیرخواهی، و نوع‌دوستی نیست؟! در همین صفحه از نشست‌هایی با عنوان «عدالت، حاکمیت قانون، و سازگاری با محیط زیست» نام برده شده است. در بیانیه ۲۰۱۲ از معضلاتی نام برده شده که نشان‌دهنده توجه به اخلاق، خیرخواهی، و نوع‌دوستی است. در اهداف کنفرانس ریو ۲۰۰۰ به این امور نیز توجه شده است.

درست است در گرایش ارتدکس اقتصاد نئوکلاسیک، تمامی پدیده‌های اقتصادی با تعمیم رفتارهای فردی توضیح داده می‌شود و براساس این رویکرد امور هنجاری و ارزشی کنار گذاشته شده و انسان مانند یک اتم تصور گردیده است و در این چهارچوب به جز هدف و انگیزه حداکثرسازی منفعت شخصی، هیچ عنصر و نهاد دیگری مورد توجه قرار نمی‌گیرد. اما باید توجه داشت که علم اقتصاد متعارف چندقرائتی است و اقتصاد

نئوکلاسیک یکی از قوی‌ترین و فراگیرترین قرائت‌های متعارف است و اقتصاد نئوکلاسیک نیز چندقرائتی است که متأسفانه اقتصاد ارتدکس آن بر علم اقتصاد متعارف سیطره پیدا کرده است (نمازی و دادگر ۱۳۸۵: ۷۳، ۷۸، ۸۴).

به‌علاوه درست است که در آثار برخی دانشمندان لیبرال، مانند افکار فایده‌گرایی و سودمندگرایی (utilitarianism)، انسان به‌عنوان موجودی منفعت‌طلب و خودخواه معرفی شده است (عربی ۱۳۹۴) و البته این معرفی پی‌آمد تربیتی خاص خود را دارد، اما حقیقت این است که معرفی کردن انسان در علم اقتصاد به‌عنوان موجودی منفعت‌طلب یک فرض ساده‌کننده است تا دانش‌آموخته اقتصاد بتواند ارتباط بین پدیده‌های اقتصادی را بهتر و راحت‌تر درک کند.

آنچه در برخی متون اقتصادی با رویکرد اسلامی، مثل این اثر، دیده می‌شود این است که «نگاه تقابلی» بین رویکرد اسلامی و تمام رویکردهای موجود در علم اقتصاد متعارف حاکم است. به‌نظر می‌رسد این «نگاه تقابلی» در همه‌جا درست نیست. در موضوعات بسیاری، رویکردهایی در اقتصاد متعارف وجود دارد که به رویکرد اسلامی نزدیک است و جنبه‌های مشترک بین این رویکردها و رویکرد اسلامی وجود دارد. درست است که اقتصاددانان متعارف از منبع معرفتی وحی در اداره امور اجتماعی و اقتصادی زندگی انسان بهره نمی‌برند، اما آنان در دو منبع معرفتی دیگر یعنی تجربه و عقل با اقتصاددانان مسلمان مشترک‌اند.

نیز باید توجه داشت که گاه ریشه آسیب‌های زیست‌محیطی در دانش ناکافی کارشناسان یک کشور است تا منفعت‌طلبی. برای مثال، آنچه اکنون آشکار شده این است که سدسازی بی‌رویه و غیرمنطقی یکی از منابع آلودکننده محیط زیست به‌دلیل تولید گاز متان است (باشگاه خبرنگاران جوان)^۲ که کارشناسان به‌دلیل عدم اطلاع لازم و دانش ناکافی، از آن غافل بودند و این چندان ارتباطی به منفعت‌طلبی و خودخواهی آنان ندارد. در همین رابطه خشک‌شدن دریاچه‌هایی مانند دریاچه ارومیه را نویسندگان در صفحه ۳۹ این اثر نتیجه دوازده سده می‌دانند که بر سر راه یازده رودی که به این دریاچه می‌ریزد بنا شده است. به‌نظر می‌رسد ضعف مطالعات درباره سدسازی، که ناشی از ضعف مدیریت است، علت بروز چنین مشکلی است تا اصل منفعت شخصی‌گرایی.

۲.۲.۳

- در صفحه ۲۶، بحثی با عنوان دیدگاه‌ها درباره توسعه پایدار آمده است: دیدگاه انسان‌محور، دیدگاه طبیعت‌محور، و دیدگاه دوجانبه. در صفحه ۲۸، بیان شده که

دیدگاه‌های انسان‌محور و طبیعت‌محور را می‌توان دو سوی افراطی و تفریطی نگاه به مسئله توسعه پایدار قلمداد کرد و دیدگاه دوجانبه نگاه معتدل‌تری به این دو دیدگاه است. در این جا سؤال این است که واقعاً چه تفاوتی بین دیدگاه انسان‌محور و دیدگاه‌هایی که نام معتدل به خود می‌گیرد، مثل دیدگاه دوجانبه، وجود دارد، جز این‌که اولی برای طبیعت ارزش ذاتی قابل نیست و در دیدگاه دوجانبه ارزش ذاتی قائل است و این در نتیجه تفاوتی ندارد؛ زیرا در دیدگاه انسان‌محور برطبق تفسیری که کتاب آورده، انسان برای طبیعت به‌خاطر خودش و حفظ خودش ارزش قائل است و برای این‌که بشر از زندگی خود محافظت کند، از طبیعت مراقبت می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، تفاوت بین این دو دیدگاه فقط در ارزش آلی داشتن طبیعت در اولی و ارزش ذاتی داشتن در دومی (دیدگاه دوجانبه) است و این مثل اخلاق نیست که ارزش ذاتی قائل بودن برای آن با ارزش آلی قائل بودن تفاوت بسیار زیادی داشته باشد. بنابراین، این بحث چرا لازم است؟ نیاز به توضیح بیش‌تری دارد. ارجاع این بحث به قسمت سوم اثر (صفحه ۸۸) یا ادغام این بحث در آن قسمت، شاید این نارسایی را برطرف سازد.

۳.۲.۳

- در صفحه‌های ۲۹ و ۳۷ و ۳۸ از واژه «توسعه» یا «توسعه اقتصادی» به‌جای رشد اقتصادی استفاده شده است. در صفحه ۲۹ آمده است: دولت‌ها توسعه اقتصادی را برای حفظ مقبولیت عمومی خود تلقی می‌کنند، درحالی‌که دولت‌ها معمولاً رشد اقتصادی را برای حفظ مقبولیت عمومی خود تلقی می‌کنند. حتی در مسئله پایداری توسعه و توسعه، توجه عمده دولت‌ها برای مقبولیت عمومی و رأی‌آوری به رشد اقتصادی است.

۴.۲.۳

- در صفحه‌های ۵۵ و ۵۶، کلی و دارای ابهام بودن اصول مطرح‌شده در ضمیمه نخست گزارش «آینده مشترک ما» به‌عنوان اشکالات آن مطرح شده است درحالی‌که اصول ابهام ندارند. بلکه برای تحقق و پیاده‌سازی آن‌ها نیاز به مباحث فنی و عملیاتی است، همان‌گونه‌که در پایان بحث به آن اشاره شده است. بنابراین، اشکال مبهم بودن اصول وارد نیست.

۵.۲.۳

- همان‌گونه که در مشکلات مربوط به منابع و ارجاعات آمد، در صفحه ۷۰ تصریح شده است که «مفهوم توسعه یک مفهوم ارزشی است». این صرفاً یک ادعاست و به استدلال یا استناد نیاز دارد، اما برای آن استدلال بیان نشده و به هیچ پژوهشی نیز استناد نشده است. در همین صفحه گفته شده است: «در عصر مدرن ... جریان غالب و امروزی توسعه، جنبه اقتصادی توسعه را اصالت داده ...» و بدون هیچ تسامحی توسعه را مترادف با توسعه اقتصادی در نظر می‌گیرد. برای این گفته مأخذ آورده نشده است و استدلال بعد از آن ضعیف به نظر می‌رسد. از حائز اعتبار علمی بودن تنها جهان مادی ملموس، به اصالت داشتن جنبه اقتصادی توسعه، و غیراصالت داشتن جنبه سیاسی یا فرهنگی یا حقوقی توسعه رسیدن، آن هم در یک پاراگراف، استدلال قوی و محکم نخواهد بود. قابل توجه این‌که بر همین اساس شبکه مفهومی روابط چهار زیر نظام اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، و حقوقی یک نظام اجتماعی مدرن ترسیم شده است. در حالی که طرح شبکه مفهومی از آن‌جاکه موضوعی مهم بوده و در قالب روش‌های تفسیر متن نیز قرار می‌گیرد، به توضیح بیش‌تر نیاز دارد.

۶.۲.۳

این اثر سعی می‌کند اثبات کند که از نظر نظام اجتماعی مدرن، نظام اقتصادی اصالت دارد و از نظر اسلامی، نظام فرهنگی در اولویت نظام اجتماعی است و بر همین اساس شبکه مفهومی در صفحه ۷۴ ترسیم کرده که از نظر اسلامی بُعد فرهنگی بیش از بقیه ابعاد در سعادت انسان نقش دارد و در اولویت برنامه‌های تعلیمی‌اش قرار دارد. اما مسئله به این سادگی نیست، زیرا ما جهان‌بینی و اعتقادات (مبانی فرهنگی) داریم، فرهنگ داریم، و نظام فرهنگی داریم. نظام فرهنگی مجموعه‌ای منسجم و مرتبط از باورها، ارزش‌ها، و هنجارهایی است که با تکیه بر مبانی خاص مکتب آثار و کارکرد جمعی دارند (آقایی و نظری ۱۳۹۲).

نظام اجتماعی مدرن را ملاحظه کنید که از یک سو سرمایه اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است (حسینی ۱۳۹۶: ۱۱۸) و از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی ارتباط نزدیکی با فرهنگ و نظام فرهنگی دارد (همان: ۱۴۶-۱۷۳). بنابراین، این برداشت، که در نظام اجتماعی مدرن اصالت با نظام اقتصادی است، نادرست به نظر می‌آید.

هم‌چنین در این‌که هدف اصلی و نهایی در مکتب اسلام دورشدن از خاک و نزدیک‌شدن به خداوند است (خداوارشدن انسان) تردیدی نیست. همان‌گونه‌که در صفحه ۷۷ تصریح شده که از نظر اسلام، هدف جامعه انسانی نیل به سعادت است و جهت‌گیری‌ها باید به سمت تأمین این هدف باشد. اما برای دست‌یافتن به این هدف باید به همه نظام‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، و اجتماعی^۳ هم‌زمان توجه کرد. عدم توجه لازم به هریک از این نظام‌ها مانع رسیدن انسان به هدف نهایی خواهد شد و حتی می‌توان گفت که بدون توجه لازم به هریک از این نظام‌ها، انسان در آن مسیر قرار نخواهد گرفت. همان‌گونه‌که در صفحه ۹۹ به نقل از مطهری آمده است، یک اجتماع متعادل، به کارهای فراوان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، قضایی، و تربیتی احتیاج دارد و برای هرکدام از این کارها باید به آن اندازه که لازم است افراد گماشته شوند.

به فرمایشات معصومین (ع) توجه کنیم. برای نمونه رسول الله (ص) می‌فرمایند: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي الْخُبْزِ وَلَا تَفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ، فَلَوْلَا الْخُبْزُ مَا صُمْنَا وَلَا صَلَّيْنَا وَلَا أَدَّيْنَا فَرَائِضَ رَبِّنَا عِزَّ وَجَلَّ». خدایا نان را بر ما مبارک بگردان و بین ما و آن جدایی مینداز؛ زیرا اگر نان نبود، ما روزه نمی‌گرفتیم، نماز نمی‌خواندیم، و فرایض پروردگاران را انجام نمی‌دادیم (محمدی ری‌شهری ۱۳۸۷: ج ۷، ۲۵۴، حدیث ۱۰۸۵۰).

شکی نیست که عوامل اقتصادی از اساسی‌ترین عوامل زندگی بشر است، یعنی انسان نمی‌تواند بی‌اعتنا به این مسائل زندگی کند. همین اسلام که به عوامل معنوی، بسیار اهمیت می‌دهد، در عین حال درباره معاش و زندگی و اهمیت آن سخن می‌گوید. «مَنْ لَا مَعَاشَ لَهُ لَا مَعَادَ لَهُ»: یک اصل بسیار اساسی است (مطهری ۱۳۸۹: ج ۲۱، ۳۴۶).

بنابراین، این قسمت از این اثر به بحث، توضیح، تبیین، و استدلال بیش‌تر نیاز دارد و به‌نظر نگارنده این مقاله شبکه‌های مفهومی ترسیم‌شده به اصلاح اساسی نیاز دارند.

۷.۲.۳

- در صفحه ۷۳ در ذیل حدیث «لَا بَأْسَ بِالْغَنِيِّ لِمَنْ اتَّقَى» آمده است: این فرمایش ناظر است به این‌که توسعه و توان‌گری مادی باید در خدمت و در مسیر تقوا باشد و درغیراین صورت مطلوب نیست. گرچه این مطلب درست است و محور تقواست و توان‌گری باید بر گرد آن بچرخد، برداشت آن از این حدیث به‌نظر درست نیست. حدیث می‌گوید: هرکس که تقوا پیشه کند باکی از توان‌گری او نیست، یعنی توان‌گری باعث انحراف پرهیزکار نمی‌شود.

۸.۲.۳

- در صفحه‌های ۷۶ و ۷۷ با استناد به فرمایش آیت‌الله جوادی آملی «حق» به نوعی سلطه تعریف شده است. از آن‌جا که سلطه بار منفی دارد و با روح قرآن و اسلام ناسازگار است، یا باید توضیح بیش‌تری داد یا باید در تعریف «حق» به مأخذ معتبر دیگری استناد کرد که در تعریف آن از کلمه سلطه استفاد نشده است. به علاوه بحث حق و تکلیف از مباحث مهم اسلامی و نیز عصر حاضر است، طرح یک دیدگاه، آن هم عمدتاً استناد به یک شخصیت، کافی نیست.

۹.۲.۳

- اثر توضیحات اضافی دارد. برای نمونه، مطالب دو صفحه ۱۲ و ۱۳ را می‌توان حداکثر در یک صفحه جمع کرد.

۱۰.۲.۳

- از نیمه صفحه ۹۹ تا نیمه صفحه ۱۰۲ (یعنی سه صفحه متوالی) نقل قول مستقیم از مطهری و طباطبایی است و این شاید محققانه نباشد.

۱۱.۲.۳

- همه آیات و روایات ترجمه شده به جز آیات صفحه ۸۵

۴. نقاط مثبت اثر

- از نقاط مثبت این اثر داشتن نگرش سیستمی است که در صفحات ۱۶ و ۱۷ و ۱۰۶ به طور مختصر به آن پرداخته شده است. این مطلب با عنوان تشریح مساعی متخصصان علوم مختلف، مطالعات چندبُعدی، و تغییر نگرش سیاست‌گذاران بیان شده است. به نظر می‌رسد که آنچه باعث آسیب‌رساندن به جامعه جهانی و محیط زیست شده نگاه تک‌بُعدی به مسائل و موضوعات زندگی اقتصادی انسان است. به عبارت دیگر، راه‌بردهای اقتصاد خردمحور یا حتی راه‌بردهای اقتصاد کلان‌محور باعث بروز چنین آسیب‌هایی شده است. اگر راه‌بردها توسعه‌محور طراحی و انتخاب می‌شد و دانش‌های اقتصاد خردمحور و کلان‌محور به‌عنوان ابزار توسعه تلقی می‌گردید، آسیب‌های وارد بر محیط زیست خیلی کم‌تر از این بود.

- گرچه جای «پرداختن به الزامات تحقق توسعه پایدار» در این اثر خالی است و عنوان «موانع تحقق توسعه پایدار» نیز در این اثر وجود ندارد، پرداختن به نئولیبرالیسم و نقش آن در عدم تحقق توسعه پایدار (۵۷ تا ۷۰) از نقاط مثبت این اثر است. این‌که بپذیریم و مورد تردید قرار ندهیم که برطبق اصول نئولیبرالیسم، بازار در مجموع بهتر و کارآتر از دولت عمل کرده در تخصیص منابع رفتار بهینه دارد، اما نمی‌توانیم نپذیریم که نئولیبرالیسم به افت کیفیت محیط زیست دامن زده و پایداری را قربانی رشد اقتصادی کرده و از این طریق باعث افت رفاه شده است.
- طرح سؤالات مهم درباره پایداری توسعه پایدار و پاسخ به آن‌ها در چهارچوب مبانی فلسفی اقتصاد اسلامی با تمرکز بر حق و عدل از نقاط مثبت و برجسته این تحقیق است. مهم‌ترین سؤال طرح شده این است که در شرایط تضاد منافع بین سه ضلع توسعه پایدار یعنی نسل فعلی، نسل‌های بعدی، و محیط زیست (اعم از جاندار و بی‌جان) کدام اولویت داشته و باید منافعش تأمین شود. استفاده از مفاهیم مختلف حق و تکلیف، عدالت تکوینی و حقوق تکوینی، عالم تکوین و عالم تشریح؛ حقوق تکوینی و عدالت تشریحی، عدالت تکوینی و عدالت تشریحی، و تبیین ارتباط این مفاهیم با یکدیگر برای پاسخ به سؤالات عالی به‌نظر می‌رسد. البته طراحی یک جدول یا ترسیم یک نمودار درخت‌واره که ارتباط این مفاهیم را در راستای هدف تحقیق کند، ترسیم کند، و به خواننده نشان دهد این جنبه مثبت اثر را برجسته‌تر خواهد کرد.

۵. نتیجه‌گیری

هدف اصلی نویسندگان اثر طرح سؤالات مهم درباره پایداری توسعه پایدار و پاسخ به آن‌ها در چهارچوب مبانی فلسفی اقتصاد اسلامی با تمرکز بر حق و عدل است. مهم‌ترین سؤال این است که در شرایط تضاد منافع بین سه ضلع توسعه پایدار یعنی نسل فعلی، نسل‌های بعدی، و محیط زیست (اعم از جاندار و بی‌جان) کدام اولویت داشته و باید منافعش تأمین شود. به‌بیان دیگر، چنانچه قید وصفی پایداری در توسعه پایدار موجب اختلال در توسعه گردد، کدام‌یک را باید برگزید؟ پایداری یا توسعه را؟ به‌نظر نویسندگان در جریان مسلط اقتصاد متعارف، توسعه اولویت و اصالت دارد، اما در الگوی اسلامی، توسعه ناپایدار اصلاً توسعه تلقی نمی‌شود. در پاسخ تفصیلی، به بررسی مبانی فلسفی اقتصاد اسلامی با تمرکز بر حق و عدل در اسلام و نسبت حق و تکلیف پرداخته می‌شود.

تلازم حق و تکلیف، هماهنگی عدالت تکوینی و حقوقی تکوینی، هماهنگی عالم تکوین و عالم تشریح، و هماهنگی حقوقی تکوینی و عدالت تشریحی ایجاب می‌کند که در صورت ناسازگاری بین توسعه و پایداری، باید پایداری را برگزید؛ زیرا برطبق نظر اسلام، انسان حق ندارد در مسیر توسعه هر یک از جنبه‌های عدالت را نقض کند و عدالت زمانی برقرار است که حق خود انسان، حق خداوند، حق سایر مردم، حق نسل‌های بعد، حق حیوانات اهلی و سایر حیوانات، و حق سایر عناصر سیستم هم‌زمان رعایت شود.

این اثر گرچه نقاط مثبت و برجسته دارد، از نظر شکلی و محتوایی اشکال دارد. از نظر شکلی علاوه بر این که نیازمند ویراستاری و صفحه‌آرایی است، خواننده به سختی می‌تواند به مسئله و اهداف تحقیق دست یابد. از مقدمه، که وظیفه این امر را به عهده دارد، اثری نیست و مقدمه‌های قسمت‌های اصلی اثر ناتوان از این امرند. از نظر محتوایی مهم‌ترین اشکال این است که نویسندگان این اثر در برابر اندیشه‌های اقتصادی متعارف، رویکرد تقابلی داشته و در آن جاکه به بیان و تفسیر اجمالی اندیشه اقتصاددانان علم اقتصاد متعارف می‌پردازند، دچار سوگیری شده و رویکرد مسلط اقتصاد متعارف را مبنا قرار داده‌اند. برای تبدیل شدن اثر به اثری تأثیرگذار باید ویرایش‌های ادبی، شکلی، و محتوایی صورت گیرد. نیز باید از طرح جانب‌دارانه مطالب دوری کرد، ابتدا باید نظریات مخالف را به‌خوبی بیان کرد و سپس به نقد آن‌ها پرداخت.

پی‌نوشت‌ها

۱. البته باید توجه داشت که علم اقتصاد متعارف مسلط نسبت به ارزش‌ها خنثی بوده و به امور اخلاقی و خیرخواهی و نوع دوستی توجه نکرده است.
۲. به گزارش خبرنگار گروه اجتماعی باشگاه خبرنگاران جوان، سدهای بزرگ با آزادکردن سالانه ۱۰۴ میلیون تن متان به تنهایی می‌توانند یکی از مهم‌ترین عوامل گرم‌شدن کره زمین باشند. این تخمین اخیراً توسط ایوان لیما (Ivan Lima) و همکارانش از مؤسسه ملی تحقیقات فضایی برزیل (INPE) منتشر شده است. پاتریک مک کالی، مدیر اجرایی مؤسسه رودخانه‌های بین‌المللی می‌گوید: شواهدی کافی برای اثبات این‌که سدهای بزرگ یکی از عوامل اصلی تغییرات اقلیم‌اند وجود دارد و تصمیم‌گیران در حوزه آب و هوا باید به آن بپردازند.
۳. نویسندگان اثر از زیرنظام حقوقی نام برده‌اند، اما نگارنده مقاله معتقد است که به جای آن زیرنظام اجتماعی مناسب‌تر است. همان‌گونه که عنوان برنامه پنج‌ساله کشور برنامه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی است.

کتاب‌نامه

- اسمیت، آدام (۱۳۵۷)، *ثروت ملل*، ترجمه سیروس ابراهیم‌زاده، اصفهان: چاپ‌خانه نقش جهان.
- آقایی، محمدرضا و نصرالله نظری (۱۳۹۲)، «مبانی و ساختار نظام فرهنگی از منظر قرآن کریم»، فصل‌نامه قرآن و علم، ش ۱۲، بهار و تابستان.
- باشگاه خبرنگاران جوان: <<https://www.yjc.ir/fa/news>>.
- توحیدی‌نیا، ابوالقاسم و میثم قدیمی ربانی (۱۳۹۴)، *الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و چالش ناپایداری توسعه پایدار*، تهران: الگوی پیشرفت.
- حسینی، سیدمحمد (۱۳۹۶)، *الزامات فراموش‌شده توسعه پایدار*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۱)، *یادداشت‌ها و اندیشه‌ها*، تهران: دیبا.
- سن، آمارتیا (۱۳۷۷)، *اخلاق و اقتصاد*، ترجمه حسن فشارکی، تهران: شیرازه.
- عربی، سیدهادی (۱۳۹۴)، «عدالت در اندیشه فایده‌گرایان»، فصل‌نامه روش‌شناسی علوم انسانی، س ۲۱، ش ۸۴ پاییز.
- محمدی‌ری‌شهری، محمد (۱۳۸۷)، *حکم‌النبی‌الأعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله*، قم المقدسه: دار‌الحديث للطباعة و النشر.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، *مجموعه آثار*، تهران: صدرا.
- نمازی، حسین و یدالله دادگر (۱۳۸۵)، *ارتباط اقتصاد متعارف با اقتصاد ارتدکس و اقتصاد اخلاق‌مدار*، تهران: شرکت سهامی انتشار.